



حکایت نافع برای گشایش کار

مؤلف گوید: شیخ ما ثقه الاسلام نوری (نور الله مرقدہ) در کتاب دار السلام از شیخ خود مرحوم خلد مقام عالم ربانی، جناب حاج ملا فتحعلی سلطان آبادی نقل فرموده: که فاضل مقدس، آخوند ملا محمد صادق عراقی در نهایت سختی و پریشانی و بدحالی بود و به هیچ وجه در کارش گشایشی فراهم نمی آمد تا آنکه شبی در خواب دید که در یک وادی خیمه بزرگی با قبه ای (گنبدی) برپاست، پرسید این خیمه از کیست؟ گفتند: از کھف حصین (دژ محکم) و غیاث مضطر مستکین [یاری گر بیچاره درمانده] امام قائم حضرت مهدی و امام منتظر مرضی عجل الله فرجه می باشد. پس باشتاب خدمت آن حضرت شرفیاب شد و سختی حال خود را به آن جناب عرضه داشت و از آن بزرگوار دعایی برای گشایش کار و رفع اندوه خویش خواست، امام عصر او را به سیدی از اولاد خود ارجاع نمود و به او و خیمه اش اشاره فرمود. آخوند از خدمت حضرت مرخص شده و به خیمه ای که حضرت به آن اشاره فرموده بود رفت، دید که سید سَنَد و حبر مُعتمد [دانشمند مورد اطمینان] عالم امجد مؤید، جناب آقا سید محمد سلطان آبادی است که در آن خیمه روی سجاده نشسته، مشغول دعا و قرائت است. آخوند به محضر سید سلام کرد و حکایت حال خود را برای او بازگفت. سید او را برای گشایش کار و وسعت روزی و رزق دعایی تعلیم کرد. پس از بیدار شدن از خواب در حالی که آن دعا در خاطر او بود قصد خانه سید کرد با آنکه آخوند پیش از این خواب با سید به دلیلی که بیان نمی کرد رابطه خوبی نداشت و او را ترک گفته بود، چون به خدمت سید رسید او را به همان صورت که در خواب دیده بود مشاهده کرد که در مصلاّیش نشسته مشغول ذکر و استغفار است، به سید سلام کرد، سید جواب سلامش را داد و لبخندی زد، چنان که گویا از داستان آگاه باشد! پس آخوند از سید برای گشایش امر خود دعایی خواست. سید همان دعایی را که در خواب به او آموخته بود تعلیم



کرد، آخوند مشغول به آن دعا شد و در اندک مدتی دنیا از هرسو به او روی آورد و از سختی و تنگدستی بیرون آمد. مرحوم حاج ملا فتحعلی رحمه الله علیه از سید به مدح شایسته ای تعریف می کرد و چندی به زیارتش نایل شده و زمانی چند هم شاگردی او را نموده بود. سید در خواب و بیداری به آخوند سه چیز را تعلیم نموده بود اول: آنکه پس از فجر دست بر سینه گذارد و هفتاد مرتبه

يَا فَتَّاحُ

ای گشاینده مشکلات

گوید.

دوم: به خواندن این دعا که در کتاب کافی است مداومت نماید. دعایی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به فردی از صحابه خویش که به ناخوشی و پریشانی مبتلا بود تعلیم داد و از برکت خواندن این دعا ناخوشی و پریشانی در اندک زمانی از او برطرف گشت:

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ

هیچ نیرو و توانی نیست مگر آنکه به خدا متکی است، توکل دارم بر زنده جاودانی که هرگز نمی میرد



وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَاوِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبْرُهُ

تَكْبِيرًا.

و سپاس خدای را که فرزندی نگرفته، و او را در فرمانروایی انبازی نیست و نیست برای او سرپرستی از خوار و ناتوانی، و او را آنچنان که شاید بزرگ شمار.

سوّم: آنکه به دنبال نمازهای صبح دعایی را که از شیخ بن فهد روایت شده، بخواند. این اوراد و اذکار را باید غنیمت شمرد و به خواندن آنها اهتمام داشت و از فوائدش غفلت نکرد.